



# انترناسیونال ۳۹۴

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۲ فروردین ۱۳۹۰، ۱ آپریل ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سر دبیر: کاظم نیکخواه

## منشور جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی!

جنبش سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی باید پرچم خود را برافرازد

خلاصی از شر جمهوری اسلامی قدم بمیدان مبارزه گذاشته و در سازماندهی تظاهرات خیابانی، اعتراضات محلی، بر پاداشتن اعتراضات شبانه، درگیری و جنگ و گریز خیابانی با نیروهای سرکوبگر و

صفحه ۳

خیابانی اعلام کرده است. همه کارگران و زنان و جوانانی که در مقاطع مختلف علیه جمهوری اسلامی دست بمبارزه زده اند، همه توده های مردم انقلابی که در برآمدهای مختلف جنبش سرنگونی و بویژه در دوساله اخیر با خواست

آن بود. جنبشی که بارها حضور خود را با اعلام حکومت اسلامی نمیخواهیم و مرگ بر خامنه ای، مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی، و یا آتش زدن عکس خمینی و خامنه ای در شورشهای شهری و در تظاهراتهای

مدتهاست مردم ایران اعلام کرده اند که جمهوری اسلامی باید برود. مدتهاست برای سرنگونی جمهوری اسلامی جنبش وسیعی در عرصه های مختلف جامعه در جریان است، جنبش عظیمی که خیزش میلیونی ۸۸ يك نقطه اوج

## لیبی به کجا میرود؟



کاظم نیکخواه

سرنوشت سیاسی لیبی و آینده این کشور اکنون مورد توجه و نگرانی میلیونها نفر از مردم دنیاست. لیبی به کجا میرود؟ آیا انقلاب میتواند راه خود را به پیش بگشاید و مردم این کشور را از شر دیکتاتوری قذافی و خاندانش خلاص کند؟ یا رقابت و کشاکش نیروهای بورژوازی از انقلاب کردن پشیمانان میکند؟ آیا این کشور به چند تکه تقسیم میشود؟.. اینها و سوالاتی از این دست سوالاتی است که بسیاری از مردم و صاحب نظران از خود می پرسند و تلاش میکنند جوابی به آن بدهند. انقلابی که چند هفته پیش در این کشور شروع شد و امیدهای بسیاری را برای آزادی مردم از يك دیکتاتوری ۴۰ ساله دامن زد، اکنون سرنوشتش در ابهام است. جنگ و کشاکش نظامی تمام عیاری در این کشور در جریان است. بمباران های های هوایی ناتو نگرانیها را بیشتر دامن زده است. بر روی زمین نیز شهرها و مناطق در عرض يك شبانه روز از این دست به آن دست میچرخد و تسخیر و بازتسخیر شهرها توسط طرفداران و مخالفین دیکتاتوری قذافی را هر روز شاهدیم. در واقع از خلال جنگ است که باید تلاش کرد جایگاه مردم و انقلابشان را جستجو کرد. کاری که چندان ساده نیست.

حقیقت اینست که انقلابی که در لیبی شروع شد فی الحال صحنه سیاسی این کشور را دستخوش تغییراتی جدی و برگشت ناپذیر کرده است. اکثریت مردم این کشور پا به میدان گذاردند تا از شر دیکتاتوری و بی حقوقی و فقر خود را خلاص کنند. در روزهای اول بنظر میرسید که روند امور به صورت پیشروی گسست ناپذیر انقلاب و مردم است. اما

صفحه ۶

## منشور سرنگونی پاسخی به یک ضرورت مبرم سیاسی است

مصاحبه با حمید تقوایی

عظیم علیه کلیه نظامهای دیکتاتوری میبایند که کل خاورمیانه و شمال آفریقا را به لریزه درآورده است. انقلاب، آزادیخواهی و برابری طلبی، خواستهای برحق مردم و قدرت مردم در محور وضعیت سیاسی در منطقه و در راس اخبار و

صفحه ۲

ایران بگذارد و چه خلاصی را پرکنند؟ حمید تقوایی: ضرورت انتشار این منشور از شرایط سیاسی ویژه امروز در ایران، و به يك معنا باید گفت در کل منطقه، نشات میگیرد. امروز مردم ایران که مدتهاست برای بزرگشیدن جمهوری اسلامی مبارزه میکنند خود را جزئی از يك حرکت

نیست و حزب همیشه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و اهدافی که در منشور ذکر شده مبارزه کرده است. لذا قبل از هر چیز این سؤال مطرح میشود که هدف از انتشار این سند چیست؟ از نظر شما قرار است این منشور چه تاثیری در اوضاع سیاسی

انترناسیونال: حمید تقوایی حزب کمونیست کارگری سندی تحت عنوان "منشور جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی" منتشر کرده است. هر کس اندکی با سیاستها و مواضع حزب آشنا باشد میداند که این سیاست و نظر تازه ای

## جان منصور اسانلو در خطر است. جمهوری اسلامی

مسؤل جان اوست

صفحه ۷

## بازتاب هفته

در حاشیه ۱۲ فروردین ۵۸ و اعلام جمهوری اسلامی

توسط خمینی

محمد شکوهی

در وحشت از پاره شدن طناب نظام اسلامی

بهرروز مهرآبادی

بشار اسد هم "صدای انقلاب" را شنید

بهرروز مهرآبادی

بنی آدم اعضای یک پیکرند اما نه همه!

یاشار سهندی

صفحات ۵-۴

## پیش به سوی اعتصابات سراسری

شهلا دانشفر

مبارزه است. يك محور مهم این اعتراضات علیه دستمزدهای پرداخت نشده است. يك محور دیگرش علیه اخراج ها و قراردادهای موقت است. این در حالیست که تصمیم جنایتکارانه دولت مبنی بر تعیین ۳۳۰ هزار و سیصد تومان به عنوان میزان حداقل دستمزدها برای سال ۹۰ بر

صفحه ۸

دور جدیدی از اعتراضات توده ای شروع شده است. هشت مارس و چهارشنبه سوری را پشت سر گذاشتیم. در عین حال محیط های کارگری در حالتی ملتهب بسر میبرند. هر روز در این کارخانه و آن کارخانه اعتراض و

## صفحات دیگر

اخباری از کردستان عراق، صفحه ۶

اعتراض و اعتصاب برای افزایش دستمزد در

پالایشگاههای عسویه

صفحه ۸

جان هوتن کیان در خطر است

صفحه ۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## منشور سرنگونی پاسخی به...

از صفحه ۱



حمید تقوایی

اینها همه برآمدهای مختلفی از جنبش سرنگونی طلبانه در دهه اخیر هستند. امروز این جنبش عمدتاً به شکل تظاهرات و درگیریهای خیابانی بروز پیدا میکند و بخصوص جوانان در محله ها و در مراکز شهرها وسیعاً در این مبارزات فعال و درگیر هستند. این جنبش عظیم بطور واقعی و عملی علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی است اما بخشهای زیادی از نیروهای آن وحتى غالب فعالین و رهبران محلی آن تصویر و درک روشن و شفافی از سرنگونی حکومت ندارند. این جنبش انقلابی باید با نام و شناسنامه و پرچم خود بمیدان بیاید و صریح و روشن اعلام کند که چه میخواهد و برای چه میجنگد. این امر همانطور که در مقدمه سند آمده علت اصلی انتشار منشور سرنگونی است.

جنبه دیگر اهمیت این منشور مقابله با يك جنبش ملی-اسلامی است که علت وجودیش در واقع مقابله با سرنگونی طلبی و جنبش انقلابی برای سرنگونی است. این جنبش پرورشی از جناحهای حکومتی تا نیروهای اپوزیسیون رانده شده از حکومت را در بر میگیرد و امر خودش را بروشنی حفظ نظام و مقابله با ساختار شکنی اعلام کرده است. این جنبش خود را "اصلاح طلب" مینامد اما هدف خود را بازگشت به دوره خمینی اعلام کرده است؛ روشن است ذره ای اصلاح طلبی، به هر معنی و تفسیری، در این سیاست وجود ندارد. همانطور که اشاره کردم مضمون واقعی و شان نزول این اصلاح طلبی مقابله با انقلاب است و بس. با این وجود در شرایط اختناقزده ایران برای توده مردم سرنگونی طلب این اختلافات و کشمکشها بین اصلاح طلبان با جناح اصولگرای حکومت فرصت و بهانه ای برای بمیدان آمدن و تعرض به کل حکومت بوده است. هم شورش ۱۸ تیر ۷۸ در چنین شرایطی شکل گرفت و هم انقلاب ۸۸. در واقع جناحنیبها و جنگ داخلی بین "اصلاح طلبان" و اصولگرایان در حکومت هم بازتاب بحران سیاسی حکومت و شرایط انقلابی در جامعه است و هم شرایط را برای تعرض

بیشتر مردم فراهم میکند. وضعیت سیاسی دو سال اخیر در ایران نمونه گویایی از این رابطه متقابل بین اعتراضات مردم و دعوای درون حکومتی است. موج خیزش انقلابی و تظاهرات توده ای دوره اخیر با مساله انتخابات و تقلب انتخاباتی و در واقع به این بهانه شروع شد. از این نقطه نظر موضع گیریها و مخالفت خوانیهای موسوی و کروبی محملی شد برای قدم بجلو گذاشتن مردم سرنگونی طلب و اوجگیری مبارزه که تا حد يك شورش گسترده و قیام شهری در ۶ دیماه ۸۸ به پیش رفت. از سوی دیگر از همان آغاز جناح مغضوب حکومت، کروبی و موسوی و حزب مشارکت و حامیانشان در حکومت و در خارج حکومت، کسانی که خود را رهبران "جنبش سبز" مینامند، تلاش داشته اند از هر طریق ممکن مبارزات مردم را در چارچوب نظام محدود کنند و بقول خودشان مردم را از ساختار شکنی بر حذر بدارند. آنچه امروز جنبش سبز نامیده میشود هر دو این خصوصیات را با خود حمل میکند. از یکسو کم نیستند مردم و جوانان انقلابی که خود را فعالین جنبش سبز میدانند اما خواهان بزیر کشیدن کل رژیم اسلامی هستند و رهبری و یا مدعیان رهبری جنبش سبز را قبول ندارند، و از سوی دیگر عناصر همین رهبری امکان پیدا میکنند که با بیرق جنبش سبز جنبش انقلابی مردم را بحساب خود و خط "اصلاح طلبی" بریزند. انقلابی که در واقع برآمد جنبش سرنگونی طلبانه مردم است و در برابر تلاشهای "اصلاح طلبان" حافظ نظام شکل گرفته و به پیش رفته است.

ازین نقطه نظر باید گفت در این شرایط سیاسی مشخص انتشار این منشور اقدامی است برای شناساندن و هویت بخشیدن به جنبش انقلابی جاری در ایران در تمایز از و در مقابل خط و سیاستهای امثال "شورای سبز امید" و یا حزب مشارکت و کلیه فعالین درون و بیرون حکومتی که امر خود را مشاطه گری و مرمتکاری و نهایتاً حفظ نظام قرار داده اند.

این منشور همچنین حساب سرنگونی انقلابی رژیم را از خط براندازی و رژیم چنجه جدا میکند. این پرچم جنبشی است که میخواهد نظام موجود را بقدرت انقلاب مردم زیر و رو کند و از ریشه تغییر بدهد و این در تمایز کامل با خط و سیاست

نیروهای ناسیونالیست عظمت طلب ایرانی قرار دارد که گرچه خود را برانداز میدانند اما رسماً و علناً با انقلاب مخالفند و خط و استراتژی نوعی تغییر رژیم از بالای سر مردم و به کمک دولتهای غربی را دنبال میکنند. این هم در واقع نوع دیگری از مرمتکاری نظام موجود است. مرمتکاری ای که عملاً چماق سرکوب را از اسلام میگیرد و بدست ناسیونالیسم میدهد. انقلاب ۸۸ ایران و امروز موج انقلابیهای منطقه به همه نشان داده است که تنها راه رهایی از شر دیکتاتوریها، چه از نوع مصر و تونس و چه از سنخ لیبی و ایران و سوریه، نه فراندوم و تغییرات نوع استحاله ای و یا رژیم چنجه بلکه انقلاب و قدرت متحد و متشکل مردم انقلابی برای درهم شکستن نظام موجود است. منشور سرنگونی دقیقاً همین راه واقعی رهایی مردم را نمایندگی میکند.

انترناسیونال: منشور به همراه مقدمه ای منتشر شده که سیاستهای حزب در رابطه با سرنگونی رژیم و اهداف حزب را از انتشار منشور، بر همین مبنائی که توضیح دادید، مطرح میکنند اما در خود منشور این توضیحات داه نشده است. چرا این دویخس از هم تفکیک شده؟ آیا هدف این بوده است که دیگر سازمانهای انقلابی و سرنگونی طلب نیز نتوانند این سند را امضا کنند؟ اصولاً در انتشار این سند تا چه حد جذب دیگر نیروها مدنظر بوده است.

حمید تقوایی: قبل از هر چیز باید بگویم که جنبش سرنگونی صرفاً مجموعه ای از احزاب و نیروهای سرنگونی طلب نیست، بلکه يك جنبش اجتماعی وسیع است که توده های مردم و حرکات اعتراضی مردم را در بر میگیرد. این جنبش همچنین ادامه و یا بخشی از جنبشهای طبقاتی موجود در ایران- جنبش ملی اسلامی، جنبش ناسیونالیستی سلطنت طلب-جمهوریخواه و جنبش کمونیسم کارگری- نیست. مسلماً احزاب و جنبشها بر حسب مواضع و اهداف خود بر جنبش انقلابی و سرنگونی طلبانه مردم تاثیر میگذارد و نقاط ضعف و قدرت و نهایتاً شکست و یا پیروزی جنبش انقلابی مردم علیه رژیم به درجه نفوذ و تاثیر احزاب و جنبشهای طبقاتی در جنبش سرنگونی بستگی دارد اما نباید جنبش سرنگونی را ادامه و یا

محصول و نتیجه فعالیت احزاب و جنبشهای طبقاتی تصور کرد. ما بویژه در ادبیات اخیر حزبی این رابطه بین احزاب و جنبش سرنگونی و همچنین انقلاب که برآمدی از جنبش سرنگونی است، را از جوانب مختلف توضیح داده ایم. در تدوین منشور و توضیحات مقدماتی آن نیز همین سیاست و تلقی ناظر بوده است. این منشور نه سند و پلاتفرمی در مورد سیاستها و وظایف حزب است- نقشی که قطعنامه ها و پلاتفرمهای حزبی دارند- و نه سندی است برای ائتلاف و یا جلب و جذب احزاب و نیروهای سیاسی به همکاری با حزب. بلکه منشور يك جنبش اجتماعی معین است. جنبش توده ای و اجتماعی که همانطور که گفته دامنه آن از احزاب و نیروهای سرنگونی طلب فراتر میرود و همه فعالین انقلابی که بزیر کشیدن حکومت اسلامی را هدف و محور مبارزه خود قرار داده اند را دربر میگیرد. منشور جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی پرچم این جنبش و متعلق به همه این نیروها است. و به این معنی این سند متعلق به تمام سازمانها و احزابی که امر سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را دنبال میکنند نیز هست.

از نظر عملی تدوین مستقل متن منشور امکان میدهد که این سند بتواند در سطح وسیعی در میان همه فعالین جنبش سرنگونی جا باز کند و پذیرفته بشود. این سنت قدیمی حزب ما در عرصه های مختلف مبارزاتی، نظیر مبارزه برای حقوق پناهندگان و یا کودکان و یا مبارزه علیه منذهب و غیره بوده است. حزب برای تمام این عرصه ها طرحها و پلاتفرمهای معینی اعلام کرده و همه فعالین را به فعالیت حول آن پلاتفرم فراخوانده است. منشور سرنگونی در واقع سندی است که ما برای متحد و منسجم کردن جنبش سرنگونی در يك مقیاس وسیع اجتماعی منتشر میکنیم. طبیعی است که هر نیرو و سازمان سیاسی نیز که با اهداف و مضمون این منشور موافق باشد میتواند به این حرکت بپیوندد. همانطور که اشاره کردم این پرچم يك جنبش است و نه يك سند حزبی.

انترناسیونال: مفاد و بندهای منشور بر چه مبنائی تنظیم شده؟ این نکات در دو بخش آمده است، چه رابطه ای بین آنها وجود دارد؟

**منشور جنبش انقلابی برای سرنگونی... از صفحه ۱**

مزدوران حکومتی نقش موثری ایفا کرده‌اند، همه کسانی که در شبکه های اجتماعی اینترنت برای سرنگونی حکومت همددا و هم نظر و همراه میشوند و بخود سازمان میدهند، و همه نیروها و سازمانها و احزابی که هدف انقلاب و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را دنبال میکنند متعلق به این جنبش سرنگونی طلبانه مردم‌اند. جنبشی که عزم جزم کرده است بقدرت انقلاب و قیام کل نظام ضد انسانی جمهوری اسلامی را بریز بکشد. این جنبش تماما در تمایز و تقابل با خط استحاله و مرمتکاری رژیم، پرهیز از "ساختار شکنی" و تلاش برای بازگشت به دوره خمینی و اعاده قانون اساسی قرار دارد. این جنبش باید خودآگاه شود، اهداف و شیوه های مبارزه خود را بروشنی بشناسد و اعلام کند، و با قدرت و صلابت علیه حکومت و نظام جمهوری اسلامی بیدان بیاید.

منشور زیر پرچم و سند هویت این جنبش سرنگونی طلبانه و انقلابی مردم است. این منشور گامی است در جهت شفاف و متحد

ما همه مردم آزادیخواه و سرنگونی طلب و همه فعالین جنبش های اعتراضی علیه جمهوری اسلامی را به پیوستن به این منشور و مبارزه برای تحقق مفاد آن فرامیخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۷ فروردین ۱۳۹۰، ۲۷ مارس ۲۰۱۱

**منشور جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی**

سرنگونی حکومت و درهم شکستن نظام جمهوری اسلامی به معنی تحقق اهداف زیر است:

۱- خلع ید ولی فقیه، رئیس جمهور و کلیه مقامات دولتی از قدرت

۲- بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی که در تمام طول حاکمیت این رژیم مسئول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده‌اند

۳- انحلال فوری وزارت اطلاعات و همه نهادها و نیروهای امنیتی، سرکوبگر و مسلح حکومت

۴- انحلال دولت، مجلس، قوه قضائیه، دادگاهها، بنیادها و سایر نهادهای سیاسی و اجرایی و ایدئولوژیک رژیم

۵- الغای قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی  
جنبش سرنگونی همچنین بمنظور جلوگیری از بازگشت و اعاده قدرت ارتجاع در اشکال دیگر، ممانعت از هر نوع بند و بست و مهندسی قدرت از بالای سر مردم، و برای ایجاد شرایطی که مردم بتوانند آگاهانه، آزادانه و در شرایط امن نظام حکومتی آتی را تعیین کنند برای تحقق اهداف زیر پیگیرانه مبارزه میکنند.

۱- آزادی فوری و بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی

۲- لغو مجازات اعدام.

۳- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی. لغو فوری همه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان.

۴- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد

۵- اعلام و تضمین آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب،

تشکل و تحرپ  
۶- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان کشور مستقل از مذهب، زبان، قومیت، جنسیت، ملیت و تابعیت  
۷- حسابرسی مالی از کلیه مقامات حکومت و وابستگان و همچنین کلیه موسسات و بنیادهای مذهبی، اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی. مصادره اموالی که این مقامات و موسسات از راه دزدی و غارت اموال مردم تصاحب کرده‌اند و صرف آن در خدمت رفاه همه افراد جامعه

۸- تامین فوری مبرم ترین نیازهای رفاهی جامعه. افزایش فوری دستمزد و حقوق متناسب با سطح هزینه ها و منطبق با آخرین استانداردهای زندگی امروز. رایگان کردن فوری طب و آموزش و پرورش.

ضامن تحقق اهداف فوق قدرت مردم است. مردمی که با انقلاب خود جمهوری اسلامی را سرنگون کرده‌اند باید متحد و متشکل به حضور فعال در عرصه سیاست ادامه دهند، هر نیروی مانع تحقق اهداف فوری فوق و کل خواستهای انقلاب را کنار بزنند و اداره امور را خود در دست بگیرند.

**منشور سرنگونی پاسخی به... از صفحه ۱**

حمید تقوایی: منشور در پنج بند اول تبیین و تعریف روشنی از سرنگونی حکومت بدست میدهد. احزاب و جنبشهای مختلف برحسب نقد و اعتراضشان به وضع موجود تعبیر مختلفی از سرنگونی دارند. از کنار گذاشتن ولی فقیه و تعویض دولت و کابینه تا عزل مقامات و لغو برخی قوانین و تا تغییرات دیگری در این سطوح. اما تمایل و خواست توده مردمی که میخواهند نظام جمهوری اسلامی را بریز بکشند بهیچوجه به این نوع تغییرات محدود نمیشود. مردم میخواهند کل نظام جمهوری اسلامی با تمامی مقامات و قوانین و نهادها و ارگانهایش بریز کشیده بشود. این تمایل و خواست واقعی اکثریت قریب باتفاق توده مردمی است که از بیش از سه دهه کشتار و سرکوب و فساد و دزدی و غارت به تنگ آمده و بخوابانها ریخته‌اند.

برچیده شدن اختناق، آزادی زندانیان سیاسی، کنار زدن مذهب از دولت و شئون اجتماعی، رفع تبعیض نسبت به زنان و غیره- معنی میکند و به این ترتیب جنبشهای اعتراضی برای تحقق این نوع خواسته ها را به جنبش سرنگونی پیوند میزنند. یا بعبارت صحیح تر پیوند واقعی که بین این جنبشها وجود دارد را اعلام و بیان میکند. رابطه بین دو قسمت منشور بر این پیوند واقعی در جامعه مبتنی است.

انترناسیونال: با این سند چه کارهای عملی ای در دستور حزب قرار میگیرد یعنی برای رسیدن به اهدافی که اشاره کردید قرار است حزب چه کارهایی بکند و چه انتظاراتی از فعالین حزبی و فعالین جنب انقلاب دارید؟

انترناسیونال: با این سند چه کارهای عملی ای در دستور حزب قرار میگیرد یعنی برای رسیدن به اهدافی که اشاره کردید قرار است حزب چه کارهایی بکند و چه انتظاراتی از فعالین حزبی و فعالین جنب انقلاب دارید؟

حمید تقوایی: اولین اقدام ما بردن این منشور و اشاعه مضمون و مفاد آن به میان توده مردم و جنبش

سرنگونی طلبانه مردم است. این امریست که از طریق نشریات و سایتهای حزبی، تراکتها و بیانیه ها و شانورنویسیهای خیابانی، تلویزیون کانال جدید، مدیای اینترنتی، و دیگر ابزارهای تبلیغی و ارتباطاتی پیگیرانه به پیش خواهیم برد.

جنبه دیگر کار نقد جریانات "اصلاح طلب"، ملی اسلامیهها و نیروهای اپوزیسیون راست در رابطه با مواضع و سیاستهایشان در قبال انقلاب و سرنگونی انقلابی حکومت است. از نظر ما همانطور که در مقدمه این سند آمده منشور سرنگونی معیاری برای محک زدن ادعاهای آزادیخواهی نیروها و شخصیتهای مدعی مبارزه با جمهوری اسلامی است. ما میخواهیم هر فعال جنبش سرنگونی متر و معیار سنجش روشن و تعریف شده ای برای تشخیص و تمیز دادن دوستان و دشمنان مردم داشته باشد و امیدواریم منشور سرنگونی بتواند در یک سطح وسیع اجتماعی، و نه فقط

در ادبیات حزب، این نقش را ایفا کند. به نظر من حول این منشور میتوان جمعها و هسته های محلی، جمعهای سازمانده اعتراضات خیابانی و یا جمعهای مبارزاتی در میان کارگران و در دانشگاهها و در جنبش زنان شکل بگیرد و ما تمام تلاشمان را میکنیم که در سطح وسیعی این تشکلهها بوجود بیاید. شکل گرفتن گروههای اینترنتی حول این منشور و یا گرویدن گروههای اینترنتی موجود به منشور، و کلا دامن زدن به بحث و تبادل نظر و در فضای اینترنتی حول مفاد منشور نیز يك جنبه دیگر کار ما است. در تمام این زمینه ها فعالین حزبی و کلیه فعالین جنبش انقلابی برای سرنگونی حکومت نقش تعیین کننده و حیاتی ای ایفا میکنند. من همه آزادیخواهان و انقلابیون و فعالین جنبش سرنگونی را به پیوستن به منشور و پیشبرد این فعالیتها فرا میخوانم.\*

**جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!**

## بازتاب هفته

### در حاشیه ۱۲ فروردین ۵۸ و اعلام جمهوری اسلامی توسط خمینی



محمد شکوهی

۲۲ سال پیش حکومت اسلامی تازه به قدرت رسیده به رهبری خمینی در حالی که از طرف ارتش و ارگانهای حکومت سابق مورد حمایت بود و شبکه عریضه کشتان حزب الله و باندهای تروریست اسلامی را در پشت سر خود داشت، فراندومی برگزار کرد که در آن فقط به یک سوال باید جواب داده میشد، "جمهوری اسلامی آری یا نه". فراندوم در غیاب نیروهای مترقی که بتوانند مطالبات آزادیخواهانه، برابری طلبانه و سکولار مردم را فرموله کنند و بازتاب دهند و رهبری کنند و در فضای هیجان از سرنگونی رژیم شاه و توهم به ماهیت خمینی برگزار شد و به جمهوری اسلامی بعنوان نظام آتی ایران رسمیت داد. در آن شرایط صدای نیروهای کمونیست و آزادیخواهی که ماهیت واقعی و ضدانسانی حکومت اسلامی را هشدار می دادند، ضعیف بود و کمتر شنیده می شد.

از نظر خمینی و همفکرانش جمهوری اسلامی حکومت الله است و خیلی زود قانون اساسی رژیم بر مبنای قوانین اسلامی تصویب و به اجرا گذاشته شد. و خیلی زود با ایجاد فضای ارباب و تهدید و سرکوب با اعتراضات مقابله شد و حکومت جانیان اسلامی "مشروعیت" یافت. اما برگزاری فراندوم به معنای پایان انقلاب مردم نبود. حکومت هنوز پایه های خود را محکم نکرده بود و سازمانها و گروههای چپ و آزادیخواه امکان آزا داشتند تا بتوانند به مبارزه شان ادامه بدهند. در فاصله سال های ۵۸ تا ۶۰ حکومت ارگانهای سرکوب خود را سازمان داد و به طور سازمان یافته تری به مقابله با مبارزات مردم پرداخت. در طول این سه سال مبارزات کارگران و مبارزات سایر اقشار جامعه برعلیه جمهوری اسلامی تازه اعلام شده خمینی ادامه داشت. از اوایل سال ۵۹ خمینی فرمان

در دفاع از جمهوری اسلامی خمینی و با شعار "رجعت به دوران امامان" چند صباحی دیگر برای رژیم فرصت بخزند با خواست سرنگونی رژیم مواجه شدند. اینها نخست وزیر منتخب امام و رئیس مجلس اسلامی در دوران حیات خمینی بودند و رسماً در همه سرکوب ها و تصویب و به اجرا گذاشتن قوانین ضد کارگر و ضد زن دست داشته اند. اینها مدافعان واقعی جمهوری اسلامی خمینی بوده و هستند. اینها فکر می کردند که در جنگ و دعوای باندهای حکومتی، آن هم در شکننده ترین دوران حیات رژیم که افت و دورنمایی برای ادامه حکومتش نمی دید، جمهوری اسلامی خمینی را به مردم دوباره حقیقت بکنند، که موفق نشدند. جریان موسوی و کروبی با خامنه ای و باندها هر دو محصول و پایه های کل نظام جمهوری اسلامی بوده می باشند. اسلام و جمهوری اسلامی را شاید بتوان چند صباحی با سرکوب و کشتار به جامعه تحمیل کرد اما مردم از کل این حکومت می خواهند خلاص شوند. مردم از سال ۸۸ با انقلاب شان برای به زیر کشیدن کل حکومت به میدان آمدند. مردم ایران جمهوری اسلامی نمی خواهند. نه نوع خامنه ای اش نه نوع خمینی اش را! مردم این را در سال ۸۸ و در ابعاد میلیونی در خیابانها اعلام کردند. جمهوری اسلامی تنها نظام مورد قبول هر دو طرف می باشد. بیلان جمهوری اسلامی برای همه مردم ایران روشن است. هر کس بخواهد جمهوری اسلامی دیگر، اصلاح شده و رجعت به امامش، را به مردم تحمیل نماید شناسی ندارد. مردم ایران و مبارزانشان اجازه تحمیل یک دوره دیگر برای ادامه حیات ننگین حکومت جهل و پربریت اسلامی را ن داده و نخواهند داد. جمهوری اسلامی همانقدر مال خامنه ای و دولتش است که مال موسوی و کروبی و کل دار و دسته های "منتقد" خامنه ای. هر دوی این دار و دسته در هفته ای که گذشت سعی و تقلا کردند که روایت خودشان را از جمهوری اسلامی مورد نظرشان ارائه بدهند. و تمام مساله اینست که مردم ایران برای خلاص شدن از شر همین جمهوری اسلامی است که به میدان آمده اند و اساسا جمهوری اسلامی را نخواستند بودند و نمی خواهند! سی و دو سال پس از روی کار آمدن این حکومت، آنچه بر همه کس روشن است اینست که این حکومت تماما با مردم بیگانه است و مردم یکپارچه علیه این حکومتند.\*

### بنی آدم اعضای یک پیکرند اما نه همه!

یاشار سهندی

"امروز به عنوان کودکان ایرانی بسیاری از کودکان غیر ایرانی در سر چهارراهها به تکدی گری می پردازند تا چهره جمهوری اسلامی را لوث کنند! شبکه های خارجی برخی از اینها را اجیر می کنند تا در سر چهارراهها بایستند و از آنها فیلم تهیه می کنند تا چهره کشور و نظام ما را خدشه دار کنند. بحث بحث ساده ای است اما مطالبات جدی پشت این قرار دارد. دستگاه های سیاسی و وزارت کشور و شهرداری ها و بهزیستی و یا ۰۰۰ در این خصوص غفلت کرده است. آنها نمی دانند که یک اراده فرامرزی و دشمنی با نظام پشت آن قرار دارد. لازم به گفتن نیست که اینگونه صحبت کردن در مورد فلاکت و بدبختی مردم مختص نمایندگان اسلامی سرمایه است که در ایران حاکم است. این سخنان یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی است. هادی مقدسی نماینده بروجرد عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی پیش از به زبان آوردن این سخنان تاکید می کند: "اگر زیرساخت های فرهنگی را جدی نگیریم، مشکلات اقتصادی و اجتماعی مان در میان مدت نیز به سرانجام نمی رسد. امروز با چهل هزار تومان ممکن است یک خانم مجبور به اداره زندگیش شود اما اگر در کنار این چهل هزار تومان فرهنگ، قناعت، کرامت انسانی و انسانی زندگی کردن را و فرهنگ توانمند کردن را به او ندهیم نمی توانیم از او توقع داشته باشیم. باید در این امر متولیان فرهنگی، اقتصادی، فرهنگی و نیز متولیان سیاسی نیز به شکل متمرکز وارد کار شوند. این نماینده اشاره مستقیم نمی کند که از یک خانم که مجبور است با ۴۰ هزار تومان روزگار بگذراند چه توقعی می رود ولی آشکار است اشاره او به تن فروشی است. "وقاحت و یا بیشرمی" کلمات مناسبی برای توصیف گوینده این سخنان نیست باید تاکید شود این سخنان یک جانی است که به عنوان یک "قانون گذار" مشخص است او چه قانونی را به تصویب میرساند و چه قانونی را خواستار اجرای آن است. یکی از جلوه های بی رحم و

خشن نظامهای طبقاتی پدیده "گدایی" و "تن فروشی" است. بسیاری از مردم در نظامهای طبقاتی به حاشیه جامعه رانده میشوند و جز "بنی آدم" به حساب نمی آیند که ظاهراً به گفته سعدی "اعضای یک پیکرند" که در آفرینش زیک گوهرند". از زمانی که بخشی کوچکی از جامعه این توان را بدست آورد که ثروت جامعه را به تملک خود در آورد بالطبع بخشی وسیعی از مردم را از هست و نیست ساقط کرده است. این فشار تا بدان حد پیش رفت که بخشی از این آدمها دیگر خود را انسان نمی شمارند. این انسانها له شده در نظام طبقاتی هیچ هویتی برای خود دیگر قائل نیستند یعنی به عبارت صحیح تر هویتی برایشان باقی نگذاشته اند. برای زنده ماندن باید تن به هرکاری بدهند. منشا تن فروشی و گدایی افراد به اینجا بر میگردد. این مطرودین و نفرین شدگان جامعه، در تبلیغات رسمی نظامهای طبقاتی اما به گونه ای معرفی میشوند که "خودشان نخواستند و گر نه میخواستند سری تو سرها داشته باشند"; گویا ایشان خود یک زمانی از خود غفلت کردند و به این سرنوشت کشانده شده اند. گویا اینها یک "جو اراده" نداشتند و در پی "زندگی مفتی" بودند. مفت خورترین بخش جامعه دقیقاً این اتهام را به این انسانها میزند تا از خود سلب مسئولیت کرده باشند. اما برگردیم به سخنان نماینده مجلس اسلامی در مورد کودکان خیابانی. شاید هیچ نماینده سرمایه به اندازه نمایندگان اسلامی آن چهره جنایتکارانه نظام طبقاتی سرمایه داری را به نمایش نمی گذارد. بر طبق سنت جمهوری اسلامی وقتی یک جمعی را به خارج از کشور نسبت میدهند همه گونه ستم بر آن جمع "مباح" میشود. بیچاره کودکان خیابانی که مجبور به گدایی هستند اکنون انگ خارجی بودن و اینکه بازپیه رسانه ها و تبلیغ علیه نظام هم به آنها زده میشود این یعنی فتوای قتل این کودکان. هر چند یک وقت یکبار نیز گویی به شکار سگان ولگرد میپردازند به کودکان خیابانی حمله میکنند تا "چهره شهر زشت نباشد". همین رفتار بی نهایت خشن جوامعی طبقاتی مانند ایران است که پدیده های مانند "بیجه" پرورش می یابد. شاید این نمونه کاملی از

## بازتاب هفته

### در وحشت از پاره شدن طناب نظام اسلامی



بهروز مهر آبادی

نصایح ولی فقیه برای سرپوش گذاشتن بر بحران‌ها و دعوای داخلی رژیم تاثیر چندانی نداشته است. باندهای مختلف رژیم هر گاه فرصت پیدا کنند به یکدیگر چنگ و دندان نشان می‌دهند و یکدیگر را افشا می‌کنند. مصاحبه احمد توکلی نماینده اصولگرای مجلس اسلامی و از دست

اندرکاران قدیمی نظام بخش‌هایی از نزاع بین جناحهای رژیم و وضعیت متزلزل آن را نشان می‌دهد. توکلی به شکست طرح هدفمند یارانه‌ها اشاره می‌کند. او افشا می‌کند که دولت با شکل کاملاً امنیتی و با تهدید و ارباب تولیدکنندگان، تلاش کرده است تا مانع افزایش قیمت‌ها پس از حذف یارانه‌ها شود. او همچنین از بالا رفتن سرسام آور قیمت‌ها می‌گوید که دولت برای سال ۹۰ مبلغ ۶۲ هزار میلیارد تومان درآمد حاصل از حذف یارانه‌ها را محاسبه کرده و پیش‌بینی کرد که برای تامین این رقم قیمت مواد سوختی و آب باید شدیداً بالا رود. ترس از واکنش مردم و عدم آمادگی دولت یکی از نگرانی‌های

احمد توکلی است. به این گفته توجه کنید: "از آقای فتاح وزیر نیرو پرسیدم که اگر قبوض برق ۵ یا ۱۰ برابر شود تعداد کسانی که قبض خود را پرداخت نمی‌کنند تا چه میزان افزایش می‌یابد؟ او پاسخ داد خیلی زیاد می‌شود. باز هم پرسیدم اگر مردم مناطق فقیر نشین تصمیم بگیرند که قبوض را پرداخت نکنند، شما می‌توانید کاری کنید؟ او گفت که خیر!... بر خلاف سخن آقای احمدی نژاد مقدمات کار آماده نیست." بطور واقعی جنبش پرداختن قبضه‌ها هم اکنون در شهرهای مختلف شروع شده و جناحهای حکومت را به وحشت انداخته است. عدم واریز درآمدهای حاصل از حذف یارانه‌ها به خزانه و یا به زبان صریح‌تر واریز مستقیم آن به جیب باند احمدی نژاد و حساب پس ندادن به مجلس بخشی

دیگری از گله‌گذاری‌های احمد توکلی است. اما هراس و وحشت دست‌اندرکاران رژیم از یکدیگر در سخنان احمد توکلی پنهان نمی‌شود، شرایط "شبه امنیتی" که در آن گرفتار هستند و ناچارند از اختلاف کوتاه بپایند. او اعتراف می‌کند که بخشی از کوتاه آمدن‌ها با بخاطر شکننده بودن رژیم است چون "فشارها و تحریم‌ها هم وقتی زیاد شود، اتحاد مهم‌تر می‌شود، زیرا اگر دو طرف به کشمکش ادامه دهند، طناب پاره می‌شود."

جدال‌های آینده برای انتخابات آینده مجلس اسلامی و تصرف این سنگر قدرت گوشه دیگری از صحبت‌های توکلی است. او از "وجود یک جریان تمامیت‌خواه در دولت که می‌خواهد در درجه اول بر مجلس مسلط شوند" نام می‌برد. تاکید او بر لزوم "اتحاد اصولگرایان" و مجلس

ضعیفی که نمایندگان آن را با "باج دادن" می‌شود خرید، اقرار دیگری به در هم ریخته بودن صفوف داخل جناح‌ها است. در این بلبشو هر کس بدنبال این است که جیب خودش را پر کند و سر خودش را از لبه تیغ طرف دیگر دور نگه دارد. احمد توکلی در دوره‌های مختلف نماینده مجلس اسلامی، کاندیدای مورد تأیید در انتخابات رئیس‌جمهوری، وزیر و سخنگوی دولت بوده است. حرفهای او که از دست‌اندرکاران نزدیک نظام بوده است، نیاز به تفسیر و توضیح ندارد. بحران عمیقی که رژیم با آن دست به گریبان است، اختلافات باندهای حکومتی و وحشت از اعتراضات و مبارزات مردم را به روشنی در صحبت‌های این خادم نظام می‌توان دید.\*

### بشار اسد هم "صدای انقلاب" را شنید

بهروز مهر آبادی

هنوز دوماه از مصاحبه بشار اسد رئیس‌جمهور دائمی سوریه با روزنامه وال استریت ژورنال نگذشته بود که اعتراضات مردم به اختناق و سرکوب آزادی‌ها و به فقر و بیکاری از شهر درعا در جنوب سوریه آغاز شد. در این مصاحبه بشار اسد ادعا کرده بود که حکومتش با ثبات است و وقایع تونس و مصر در سوریه اتفاق نخواهد افتاد. در طول سه هفته اعتراضات شهرهای مختلف سوریه را دربر گرفته است. پلیس و ارتش با گاز اشک‌آور و گلوله به تظاهرات خیابانی مردم حمله کرد و بر اساس گزارش‌های رسمی ۱۳۰ نفر از مردم کشته شده‌اند. در اعتراضات شهرهای درعا، لاذقیه و طفس دفاتر حزب بعث و پاسگاههای پلیس مورد حمله مردم قرار گرفت و در شهر درعا مجسمه حافظ اسد توسط مردم به زیر کشیده شد. با گسترده شدن دامنه اعتراضات، رژیم سوریه ناچار به عقب‌نشینی شد. فرماندار شهر درعا برکنار گردید، مشاور بشار اسد در یک مصاحبه قول انجام اصلاحات و افزایش حقوق کارکنان دولت را داد. همزمان با این اقدامات

تظاهرات‌های دولتی در حمایت از رژیم سازمان یافت. روز سه‌شنبه نهم فروردین مدارس در شهرها تعطیل و به کارمندان دولت مرخصی داده شد تا در تظاهرات به نفع بشار اسد شرکت کنند. در منطقه بقاع لبنان حزب اله و سازمان امل و حزب بعث، تظاهرات به نفع حکومت سوریه به راه انداختند. در این روز هیئت دولت استعفا کرد و نخست‌وزیر قبلی دوباره مامور تشکیل دولت جدید شد. روز دهم فروردین بشار اسد در پارلمان سخنرانی کرد تا در مورد اصلاحاتی که حکومتش در مورد آن تبلیغات به راه انداخته بود، صحبت کند. سخنان بشار اسد، فرمول همیشگی دیکتاتورهای متزلزل را داشت. او بعضی از خواسته‌های مردم معترض را مشروع دانست ولی اعلام کرد که "خارجی‌ها" مسئول ایجاد و گسترش ناآرامی‌ها هستند. او قول انجام اصلاحات داد اما برخلاف پیش‌بینی بسیاری از رسانه‌ها به لغو قانون مقررات اضطراری که نزدیک به ۵۰ سال در سوریه حاکم بوده و همه آزادی‌های سیاسی و حقوق مدنی را سرکوب کرده است، هیچ اشاره‌ای نکرد.

یا تغییر فرماندار، انداختن تقصیرها به گردن چند نفر از کارگزاران است تا شاید خشم مردم به رژیم کاهش یابد. از طرف دیگر این اعمال می‌تواند نشانه بحران و شکافهایی باشد که بخاطر اعتراضات مردم، در داخل حکومت بوجود آمده است. تاکید بشار اسد بر نقش "خارجی‌ها" در تحولات سوریه را می‌توان به معنی ادامه سیاست سرکوب دانست. بعید بنظر می‌رسد که مردم سوریه با قول "انجام اصلاحات" به اعتراضات خود پایان دهند. چه مردم و چه حکومت بخوبی می‌دانند که چنین اصلاحاتی عملی نیست. این را تجربه کشورهای مختلف همچون ایران، لیبی، مصر، تونس و... نشان داده است. وجود آزادی و قبول خواست‌های مردم به معنای جمع شدن بساط رژیم‌های حاکم بر این کشورها است. مردمی که به خیابانها آمده‌اند با "اصلاحات" و "کمی آزادی" به خانه برمی‌گردند. یا سرکوب وحشیانه و یا براندازی حکومت است که می‌تواند مردم را به خانه‌هایشان برگرداند.

بزرگی به حکومت ایران می‌زند. بی‌جهت نیست که مقامات و رسانه‌های ایران کاسه داغتر از آش شده و اعتراضات مردم سوریه را به "عوامل اسرائیل" نسبت می‌دهند و در مورد جنایات رژیم بشار اسد، ساکت هستند. سپاه پاسداران و نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی در سوریه حضور فعال دارند از اینرو گزارشات مطرح شده در مورد شرکت ماموران

جمهوری اسلامی در سرکوب و کشتار تظاهرکنندگان سوری بی‌پایه و اساس نیست. ادامه اعتراضات مردم سوریه و پیروزی‌های آنها بدون شک در موقعیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه و تزلزل بیشتر آن، تاثیر جدی می‌گذارد. این هراس را می‌توان در نوشته‌ها و گفته‌های مقامات و همکاران رژیم مشاهده کرد.\*

### بنی آدم اعضای ...

از صفحه ۴

خود مسبب آن بود جز شلاق و اعدام جلو چشم هزاران نفر از همان مردمان نگون بخت محله‌ای که بیجبه در آن رشد یافت نبود. این دور وحشتناک و آزار دهنده بی‌شک تا وقتی نظامهای طبقاتی برقرار هستند تداوم خواهد داشت. برای رهایی بشر از این مصیبت که نظامهای طبقاتی آنرا آفریده‌اند یک راه بیشتر نیست سرنوشتی این نظام و ساختن نظامی که رفاه و منزلت انسان اساس آنست.\*

### تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

### تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

## اساس سوسیالیسم انسان است!



شدت ضربه پذیر میکند. از هم اکنون يك طرح هشت ماده ای از جانب این شورا اعلام شده است که موادی از آن که منتشر شده نشانگر التقاط میان نیروهای طبقاتی متضاد است. هم بر آزادیها تاکید میگذارد هم بر رفاه مردم، و هم بر نهادهای تجاری و هم فرمولبندیهای نادقیق و قابل تفسیر و هم جنبه هایی متناقض که نهایتا میتواند مورد سوء استفاده قدرتها و دولتها و جریانات ارتجاعی قرار گیرد.

ترکیب طبقاتی و سیاسی نیروهای مخالف قذافی نیز بهیچ وجه يك دست نیست. این آن جنبه ای است که قدرتها اروپایی تلاش میکنند از طریق آن راه آلترناتیوهای مطلوب خود را باز کنند و نیروهای ارتجاعی محلی نیز تلاش میکنند از طریق آنها مصالح خود را پیش بکشند. در کنفرانس لندن در مورد لیبی یکی از تصمیمات مشخص این بود که مرکزی در قطر برای تماس با شورای ملی موقت لیبی ایجاد شود و بطور منظم با آنها در تماس باشد. بلافاصله بعد از کنفرانس اوپاما دستوری صادر کرد که سازمان "سی آی ا" به سازماندهی و تسلیح نیروهای مخالف قذافی کمک کند. گزارشهای منتشر شده گویای این بود که مامورین "سی آی ا" در لیبی حضور مستقیم دارند و تلاش میکنند تصویر روشنی از وضعیت نیروها به دولت آمریکا بدهند. در عین حال باید به این هم اشاره کرد که رقابت جدی ای میان دولتهای اروپایی بویژه فرانسه و دولت آمریکا بر سر میزان نفوذ در لیبی بعد از قذافی وجود دارد که اهداف سیاسی و اقتصادی معینی پشت این رقابتهای عمل میکنند. روسیه و چین نیز که روابط تجاری و اقتصادی گسترده ای با لیبی تاکنون داشته اند از کل این روند ناخشنودند اما هنوز ظاهرا جزئی زدن بر سر نحوه اجرای قطعنامه ۱۹۷۳ سازمان ملل و فراتر رفتن ناتو از "منطقه پرواز ممنوع" سیاست دیگری را برای خود روشن نکرده اند. حکومت قذافی نیز در تلاش است فضای ناسیونالیستی و جنگ مذهبی را دامن بزند و در عین حال با دامن زدن به رقابتهای و کشاکشهای قبیله ای، خود را عجالتا سرپا نهد دارد و نیروهایی را برای مقابله با مخالفین بسیج کند.

### حکومت قذافی سرنگون

#### میشود

بهررو انقلاب و حرکت مردم لیبی کاری کرده است که ماشین دولتی از بالا تا پایین دچار شکافهای عظیمی

## لیبی به کجا میرود؟...

با تعرض نظامی ارتش و نیروهای قذافی پیچیدگی های تازه ای وارد اوضاع شد. از همان ابتدا میشد این را مشاهده کرد که انقلاب لیبی نیز مثل انقلاب تونس و مصر از رهبری ای سراسری برخوردار نیست. و تاکنون نیز همین وضعیت را میشود شاهد بود. این يك وضعیت ویژه و منحصر بفرد است که انقلابی در يك کشور تا حد سرنگونی دیکتاتور پیش می رود بدون اینکه رهبری شناخته شده سراسری داشته باشد. اما این انقلابات در واقع هنوز در جریانند و شاید زود باشد که استنتاجات تئوریک - تحلیلی عمومی ای از این ویژگی کرد. اما فکر میکنم میشود تا همینجا این را نشان داد که علیرغم هر پیشروی ای، مردم انقلابی باید تلاش کنند این خلاء را در حین انقلاب و در فضای انقلابی تا آنجا که ممکن است پر کنند. تلاش مردم انقلابی در این جهت را میشود در مصر و تونس مشاهده کرد که بصورت فرموله کردن برخی خواستها و طرحهای سازمانی معین و جلو آمدن چهره هایی خود را نشان میدهد. در عین حال نیروهای مخالف انقلاب از قبیل دولتهای غربی، و جریانات اسلامی و مرتجع نیز سعی میکنند از این خلاء به نفع خود و به زیان انقلاب و مردم استفاده کنند. در این زمینه هم آشکارا شاهدیم که در مصر و تونس تلاشهایی ملموس در جریان است. در لیبی به نحو بارزتری میشود پروژه های رهبر تراشی از جانب بورژوازی را شاهد بود. يك نکته هم که همینجا بطور معترضه میخوام تاکید کنم این است که رهبری با خواستها و شعارها پیوند ناگسستنی دارند. دست بالا پیدا کردن خواستههای آزادیخواهانه و انقلابی و رادیکال، میدان را برای رهبران رادیکال باز میکند و آنها را به جلوی صحنه میراند و بر عکس.

### کشاکشا

آنچه روشن است اینست که در صحنه سیاسی لیبی يك دوجین نیروهای سیاسی متفاوت با اهداف متفاوت و متضاد درگیرند و میکوشند اوضاع را به سمتی که خود میخواستند بکشانند. از دولتهای اروپایی و آمریکا گرفته تا جریانات اسلامی و ناسیونالیست و امثال اینها. در کنفرانسی که در لندن روز سه شنبه این هفته برگزار شد و سران و نمایندگان نزدیک به ۴۰ کشور در آن شرکت کردند، يك چیز که همه بر آن انگشت

شده است. از ارتش و دستگاههای سرکوب گرفته تا شماری از وزرا و نمایندگان رده بالای حکومت قذافی در سازمان ملل، و سفرای بسیاری از قذافی بریده اند. استعفای یکی از افراد کلیدی قذافی "موسی کوسه" وزیر امور خارجه لیبی که همین چهارشنبه ۳۰ مارس به بریتانیا پناهنده شد، يك نمونه تازه و مهم است. آخرین خبر که هنوز تایید نشده اینست که همین امروز پنجشنبه ۳۱ مارس علی عبدالسلام التركي رئیس هیئت نمایندگی لیبی در سازمان ملل به مخالفت با قذافی برخاسته است. حتی برخی نزدیکان و خویشاوندان قذافی از او بریده اند و علیش در حال مبارزه اند. ضربات نظامی نیروهای ناتو بر نیروهای قذافی نیز بنظر میرسد که از نظر روانی و نظامی آسیبهای کاری ای به حکومت قذافی زده است. بعید بنظر میرسد که حکومت قذافی بتواند بعد از اینهمه فشار و ضربات و مخالفتها، برای مدتی قابل توجه سرکار بماند. اما مساله اساسی اینست که بعد از سرنگونی قذافی چه خواهد شد؟ اینکه بطور مشخص چه اتفاقاتی متصور است در حوصله این نوشته نیست. بلکه آنچه میخوام اشاره کنم اینست که

## اخباری از کردستان عراق

ارپیل روز پنجشنبه تظاهرات شروع شد و یکی از دانشجویان شرکت کننده در این تظاهرات گفت اگر به خواستههایمان جواب داده نشود، ارپیل را به هم خواهیم زد.

يك نماینده پارلمان بنام عبدالله، از حزب گوران (تغییر) که در حال حاضر از جریانات اپوزیسیون محسوب میشود توسط سه نفر با چاقو مورد حمله قرار گرفته و از ناحیه سر زخمی شده است. او گفته است که مهاجمین از نیروی آسایش دولت کردستان عراق هستند.

منبع خبر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ مارس ۲۰۱۱

تظاهرات در شهرهای کردستان عراق بعد از گذشت چهل روز همچنان ادامه دارد.

در حلیجه تظاهرات و تجمعات

گسترده مردم جریان دارد. در قه لادزی تظاهرات توده ای گسترده ادامه دارد و تعدادی از نمایندگان پارلمان در اپوزیسیون نیز در تجمعات شرکت میکنند. در که لار بعدازظهر امروز پنجشنبه ۳۱ مارس قرار است تظاهرات توده ای انجام گیرد. در شهر دهوک نیروهای امنیتی، تعدادی جوان را به بهانه اینکه قصد برپایی تظاهرات داشته اند دستگیر کرده اند. شهرک کلار

بشدت میلیتاریزه شده است. در

### شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را می‌توانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

#### سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین می‌توانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

#### آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:  
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

#### کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC  
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900  
Account #: 84392 00269 13

#### هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

#### آمریکا:

Bank of America  
277 G Street, Blaine, WA 98230  
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush  
Account number : 99 - 41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23, account holder: WPI  
, Bank: NatWest branch: Wood Green  
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345  
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید می‌توانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبید گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰



### اطلاعیه شماره ۱۲۲: جان هوتن کیان در خطر است

قبلاً به اطلاع رساندیم که هوتن کیان وکیل سکینه محمدی آشتیانی را شفاها تهدید به اعدام کرده اند. هوتن پنج هفته قبل طی نامه ای که به کمیته بین المللی علیه سنگسار و تعداد دیگری از نهادها ارسال کرده بود، وضعیت خود را توضیح داده و از شکنجه هائی که شده، گزارشی منتشر کرده بود. کمیته بین المللی علیه سنگسار گزارش را ترجمه و به رسانه ها و نهادهای بین المللی ارسال کرد و از همگان خواست برای نجات جان او اقدام کنند. هوتن در گزارشش از جمله گفته بود که بینی و ۱۲ دندان او را با ضربه پوتین شکسته اند، حدود ۶۰ نقطه بدنش از جمله پاها و اطراف بیضه هایش را با آتش سیگار سوزانده اند، با شلنگ آتش نشانی به روی او آب ریخته و تا چهار صبح با دستبند و پایند در هوای سرد

فلپچر در مورد هوتن منتشر کرد و به شکنجه او در طول دوره زندانش اشاره کرد.

از همه نهادها و سازمانهای بین المللی درخواست میکنیم که جمهوری اسلامی را برای آزادی هوتن و همینطور سکینه محمدی آشتیانی تحت فشار قرار دهند و از رسانه ها می‌خواهیم که وضعیت هوتن و سکینه را منعکس کنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
کمیته بین المللی علیه سنگسار  
۲۶ مارس ۲۰۱۱، ۶ فروردین ۱۳۹۰

رها کرده اند و چنان گرسنگی به او تحمیل کرده اند که ۵۱ کیلو وزن کم کرده است.  
طبق خبری که اخیراً به کمیته بین المللی علیه سنگسار رسیده است، پرونده هائی که هوتن وکالت آنها را بر عهده داشته است، توسط جمهوری اسلامی در محل کار هوتن کیان در تبریز، به موکلین او برگردانده شده و به آنها اعلام شده است که هوتن دیگر برنمیگردد. این خبر، نگرانی از اعدام هوتن را تشدید میکند.

مینا احدی سخنگوی کمیته های بین المللی علیه سنگسار و اعدام بار دیگر با عفو بین الملل، اتحادیه اروپا و برخی رسانه ها تماس گرفته و خواهان کمک به هوتن شده است. روزنامه تایمز لندن روز قبل مقاله ای به قلم هوگ توملینسون و مارتین

### جان منصور اسانلو در خطر است. جمهوری اسلامی مسئول جان اوست

جدا از کارگران شرکت واحد، رضا رخشان رییس هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه نیز در زندان است و بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک

به بیست سال زندان و ده ماه محرومیت از فعالیت اجتماعی محکوم شده است. جرم همه این کارگران دفاع از حقوق برحقشان و مبارزه برای یک زندگی انسانی است.

منصور اسانلو باید فوراً آزاد شود. همه کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند. جان منصور اسانلو در خطر است با تمام قوا برای آزادی او تلاش کنیم. اول مه روز جهانی کارگر در پیش است. یک خواست مهم ما در اول مه آزادی همه زندانیان سیاسی از زندان است.

جاری، دوباره به اتهام های امنیتی محاکمه و به یک سال زندان بیشتر محکوم شد.

منصور اسانلو اکنون در چنین شرایطی در زندان گوهر دشت کرج در بازداشت بسر میبرد.

به گفته پروانه اسانلو همسروی، او حتی از ملاقات حضوری با خانواده اش نیز محروم است. تلفن ها قطع است و به وی فقط ملاقات کابینی داده میشود که آنهم در ایام نوروز به بهانه تعطیلات عید کنسل شد. و این خود بر ابعاد فشار به وی و خانواده اش افزوده است.

علاوه بر منصور اسانلو علامرضا غلام حسینی، ابراهیم مددی و رضا شهابی، سه عضو دیگر سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران، در زندان به سر می برند.

رضا شهابی در ۲۲ خرداد دستگیر شد و جانینان اسلامی او را ده ماه است که بلا تکلیف در زندان نگاه داشته اند. حسن شهابی برادر وی در گفتگویی رادیویی میگوید یکماه است ملاقاتی به آنها نداده اند و فرزند ۹ ساله رضا دچار افسردگی شده است.

خبرها از سوی همسر منصور اسانلو حاکی است که وضعیت جسمی وی بسیار وخیم است. سه رگ قلب او مسدود شده و وضعیت جسمی اش بسیار بد است. اما جانینان جمهوری اسلامی با مرخصی او جهت عمل جراحی مخالفت کردند. هر اتفاقی که برای او روی دهد جمهوری اسلامی مسئول است.

جلوگیری از معالجه زندانی، گرو گرفتن داروهای زندانیان، بخشی از شکنجه زندانی و جنایات این رژیم در قبال زندانیان سیاسی است. منصور اسانلو قبل از این نیز دچار حمله قلبی شده و با دستبند و پایبند به بیمارستان منتقل شده است و به گفته پزشکانش باید او هر چه زودتر در خارج از زندان تحت عمل جراحی قرار گیرد. و حالا در چنین شرایطی است که با مرخصی او مخالفت شده است.

منصور اسانلو در تیر ماه سال ۸۶ توسط ماموران امنیتی در تهران بازداشت و اکنون چهارسال و نیم است که در زندان بسر میبرد. منصور اسانلو توسط جانینان جمهوری اسلامی به اتهام هائی مانند اقدام علیه امنیت ملی به پنج سال زندان محکوم شده و در تابستان سال



### کمیته برای آزادی کارگران زندانی

shahla\_daneshfar@yahoo.com

شهلا دانشفر

00447779898968

bahram.soroush@gmail.com

بهرام سروش

0044-7852 338334

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم

به چه منجلائی بدل میشود!

## پیش به سوی اعتصابات... از صفحه ۱

شهرلا دانشفر



خشم و اعتراض کارگران شدت داده است. تشکلهای کارگری ای که به همت خود کارگران تشکیل شده اند، اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای شرکت واحد، کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری، کمیته پیگیری و غیره و غیره با بیانیه هایشان اعتراض خود را به این تصمیم اعلام داشته و میگویند در برابر آن ساکت نخواهند نشست و اولتیماتوم خود را داده اند. همه اینها تصویری از اوضاع بدست میدهد که میتوان بر متن آن به استقبال اعتصابات سراسری رفت. بطور مثال همین امروز اگر به هر شهر و هر مجتمع کارگری نگاه کنیم، می بینیم که دهها کارخانه در حال اعتراض و مبارزه هستند. این اعتراضات را میتوان متحد و همزمان کرد. و با قدرت بیشتری برای به کرسی نشاندن خواستههای خود حرکت کرد.

به شهر قزوین نگاه کنیم، خود

دولت از ۶۰۰۰ کارگر با معضل دستمزدهای پرداخت نشده در این شهر سخن میگوید. در شهر ساوه صحبت از ۱۸۰۰ کارگر درگیر با مساله دستمزدهای پرداخت نشده است. و در همه شهرها وضع از همین قرار است. تازه این آمار گوشه بسیار کوچکی از واقعیت است. اما نگاهی به همین تصویر نشان میدهد که میتوان در هر شهر به تدارک اعتصابات همزمان کارخانجات با هم رفت. حتما هر کارخانه از وضع و حال کارخانجات اطراف خود خبردار است، میتوان با قرار قبلی تجمعات اعتراضی را همزمان کرد. میشود خانواده ها را که در این اعتراض و خواست شریکند، همراه کرد. میتوان کل شهر را از حرکت و اعتراض خود مطلع ساخت و در نتیجه آن یک شهر را به حرکت درآورد.

میشود بیانیه داد و اعلام داشت

که ما دستمزد ۳۳۰ هزار تومان را نمی پذیریم و جنبشی را حول این اعتراض برپا کرد و در سراسر ایران به استقبال اعتصابات سراسری رفت. نمونه هایی از اعتراضات همزمان کارخانجات مختلف در شهرهایی چون قزوین و سنندج و کرمانشاه و همدان را داشته ایم. همه این تجربیات در متن شرایط سیاسی امروز ممکن بودن تدارک چنین اعتراضاتی را صد چندان میکند. باید صف خود را برای چنین اعتراضاتی آماده کرد و متحد نمود. اعتصابات سراسری کارگری و بخش های مختلف جامعه، بطور واقعی نیروی عظیمی را به میدان می آورد که با این نیرو میتوان کمر این رژیم را شکست. با قدرت اعتصابات سراسری خود میتوان جمهوری اسلامی را خلع سلاح کرد و راه را برای قشون کشی و سرکوبش دشوار کرد. رژیم نمیتواند به زور هزاران هزار معلم را به سر کار ببرد. رژیم نمیتواند با زور اسلحه کارگران را وادار به کار و تولید کند. اعتصابات ما این رژیم را فلج خواهد کرد. اعتصابات سراسری

ابزاری قدرتمند است که بیش از هر چیز جایگاه ما کارگران و ما که چرخ تولید جامعه را در دست داریم، نشان میدهد. یک نمونه با شکوه و تاریخی آن اعتصابات کارگران نفت بود که دیدیم چگونگی با اعتصابات خود حرف آخر را زدند و بساط رژیم شاه برچیده شد. امروز بیش از هر وقت زمانش فرا رسیده است که این ابزار را بدست گیریم. تصور کنید، اگر ۱۷۰۰۰ کارگر شرکت واحد دست به اعتصاب بزنند، اگر ۵۰۰۰ کارگر نیشکر هفت تپه دست از کار بکشند، اگر هزاران هزار معلم در سراسر ایران اعلام اعتصاب کنند، اگر کل بخش های تولیدی جامعه بخواهد، و همه یکصدا علیه فقر، علیه گرانی، علیه دیکتاتوری و سرکوب و برای آزادی زندانیان سیاسی و یک زندگی انسانی فریاد بزنند، چگونه خواهیم توانست این رژیم را به کنج دیوار بکشانیم.

اعتصابات سراسری یک راه مهم برون رفت از شرایط کنونی است. اعتصابات سراسری گام مهمی در پیشروی خیزش انقلابی ما و زدن ضربه ای کاری بر پیکر این رژیم

است. باید به استقبالش برویم. این را باید به گفتمان خود در میان کارگران و کل جامعه تبدیل کنیم و برایش صف آرای کنیم. این وظیفه و نقش رهبران و فعالین کارگری است که در هر جا که هستند، دور هم جمع شوند. کمیته های اعتصاب را تشکیل دهند و حول متحد کردن اعتراضات کارگری و تدارک اعتصابات سراسری نقشه و طرح بزنند. طبعاً روی سخن من فقط کارگران کارخانجات نیستند. معلمان، پرستاران و بخش های مختلف جامعه نیز مورد خطاب من قرار دارند. معلمان تجربه این کار را دارند. الگوهای خوبی از اعتصابات سراسری در مقابل جامعه قرار داده اند و مساله گرانی و دستمزدهای زیر خط فقر همواره یک موضوع اعتراض آنان بوده است. پرستاران در همین رابطه بارها اولتیماتوم به اعتصاب داده اند. شرایط سیاسی امروز فرصتی است برای بیان سراسری و متحد اعتراضاتمان باید این فرصت را دریافت و برای آن خیز برداشت. \*

## اعتراض و اعتصاب برای افزایش دستمزد در پالایشگاههای عسلویه

بنابه خبری که سایت "جمعیت مبارزه با تبعیض اقتصادی" روز ۳ فروردین ماه ۹۰ منتشر کرده است، کارگران پالایشگاههای عسلویه درگیر مبارزه بر سر افزایش دستمزدها هستند. این خبر می افزاید: بدنبال اعتصاب رانندگان ده فاز و همینطور اعتصاب در بخش مکانیکی، کارگران در قسمتها و پالایشگاههای دیگر به اشکال مختلف اعتراض و اعتصاب برای انعقاد قراردادهای مورد نظرشان را ادامه میدهند. کارگران با برگزاری مجمع عمومی و انتخاب نمایندگان موقت شرایط خود را با کارفرما و پیمانکاران در میان میگذارند. کارگران تاکنون بارها با نامه نگاری خواستار مطالبات برحق شان شده بودند اما بدنبال نتیجه نگرفتن و پاسخ ندادن کارفرما به خواستههای کارگران تصمیم گرفتند وارد اعتراض و اعتصاب شوند. اول صبح روز ۱۷ اسفند بخشهایی از کارگران از خوابگاه بیرون آمده و در محوطه

پالایشگاه تجمع کردند. بسرعت کارگران بخشهای دیگر نیز به تجمع پیوستند. کارگران در تجمع شان دسته جمعی اعلام اعتصاب کردند و تصمیم گرفتند برای پیگیری مطالباتشان به مقابل اداره کار عسلویه بروند. کارگران با ماشینها به سمت اداره کار حرکت کردند. نمایندگان کارگران در مذاکره با اداره کار بر سر خواستههای کارگران حضور داشتند. در همان موقع رئیس تعمیرات ده فاز پالایشگاهها بمیان کارگران آمد. بدنبال این جلسه قرار شد شرکت جدید با نمایندگان کارگران صحبت کند و قرارداد جدید را به آنها پیشنهاد کند. اعتصاب بدنبال این مذاکره خاتمه یافت. روز جمعه ۱۸ اسفند کارگران از تحویل صبحانه امتناع کردند و نسبت به کیفیت صبحانه اعتراض کردند. بدنبال این اعتراض پیمانکار کیفیت صبحانه را بهتر کرد. یکبار دیگر کارگران به کیفیت بد غذا اعتراض کردند و از گرفتن غذا امتناع کردند. نهایتاً

کارفرما ناچار شد غذا را بهبود دهد. کارگران در ادامه اعتراضات شان در غذاخوری اجتماع کردند. رانندگان سرویسها نیز به تجمع و اعتراض کارگران پیوستند و اعلام حمایت کردند. این اعتراضات برای بستن قرارداد جدید با شرکت پیمانکاری جدید پترو پی است. شرکت پیمانکار قبلی از ۱۵ اسفند قراردادش تمام شده بود. اما کارگران در اعتراض به وضعیت مععلق قراردادهای، خوابگاههای شرکت مذکور را تخلیه نکردند و تقریباً تاکنون هنوز خوابگاهها در اختیار کارگران است. همراه این اعتراضات مرتباً نمایندگان کارگران توسط کارفرما و حراست تهدید میشوند. در ۱۹ اسفند در پالایشگاه چهارم کارگران سرویس نسبت به حقوق و مطالبات معوق اعتراض و اعتصاب کردند. این اعتصاب که در محیط کار صورت گرفت دو ساعت ادامه داشت و کارفرما با وعده تحقق مطالبات کارگران به اعتصاب خاتمه داد. روز

۲۰ اسفند عیدی کارگران توسط شرکت به حساب کارگران واریز شد. کارگران قبلتر شکایتی در مورد قانونی نبودن قرارداد پیمانکار و بی توجهی به مطالبات کارگران به دادگستری داده بودند. تاکنون اما از مطالبات فقط عیدی را حساب کارگران ریخته اند. روز ۲۲ اسفند یکی از کارگران معترض توسط کارفرما اخراج شد. قبلاً نیز یک کارگر دیگر را اخراج کرده بودند. کارفرما با حربه اخراج تلاش کرد اعتراضات کارگران را سرکوب کند. روز ۲۳ اسفند پالایشگاه پنجم در

اعتراض به سیاست اخراج وارد اعتراض شد. کارگران کارت ترددشان را به کارفرما تحویل دادند و دسته جمعی کار را ترک کردند. با این اقدام کارگران بلافاصله رئیس کل تعمیرات ده فاز در محل اعتراض حضور یافت. کارگران اخراجی سرکار برگشتند. روز ۲۵ اسفند کارگران با پیمانکار سر میز مذاکره نشستند. نمایندگان کارگران سطوح مختلف حقوقها و تصمیم مجمع عمومی را به کارفرما اعلام کردند. جلسه بدون نتیجه تمام شد. اعتراضات کارگران اما ادامه دارد.

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهرلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!